

بررسی تأثیر ساختار هیأت مدیره و قدرت مدیر عامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی

محمد محمدی^۱

سیاوش محمودی^۲

محمد رضا محمودی کیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

چکیده

عملکرد شرکت را می‌توان با استفاده از شاخص‌های متعددی مانند تغییر در میزان فروش، تولید، جریان نقدی، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری کرد. تفاوت بین سود تعهدی و شاخص از قبل تعیین شده با افزایش عملکرد شرکت، افزایش می‌یابد. میزان عملکرد نیز بر مدیریت سود موثر است. غالباً پیش‌بینی می‌شود شرکت‌هایی که از رشد مداوم سود طی چند سال متوالی برخوردار هستند، در آینده نیز به این روند ادامه دهند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین میزان تأثیرگذاری ساختار هیأت مدیره و قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی - علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. جامعه مورد بررسی مشتمل بر ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که اطلاعات مالی آن‌ها در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار هیأت مدیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها تأثیر مثبت و مستقیمی می‌گذارد. افزون بر این، فرضیه دوم نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها تأثیر مثبت و مستقیمی داشته است. یافته‌های فرضیه پژوهشی سوم نیز مبین تأثیر منفی و معکوس ساختار هیأت مدیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکت‌ها است. در نهایت، یافته‌های فرضیه پژوهش چهارم نشان داد که قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکت‌ها تأثیر مثبت و مستقیمی می‌گذارد. از آن جهت که افزایش میزان و سطح قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی می‌تواند اثرات مهمی بر تصمیم سرمایه‌گذاران داشته باشد، ارائه اطلاعات کامل و شفاف از سوی مدیریت در زمینه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و ریسک اعتباری، بسیار راه‌گشا خواهد بود.

واژگان کلیدی

ساختار هیأت مدیره، قدرت مدیرعامل، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی

۱. استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد پرندک، دانشگاه غیرانتفاعی، ساوه، ایران. (mkz.mohamadi@gmail.com)

۲. استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد پرندک، دانشگاه غیرانتفاعی، ساوه، ایران.

۳. کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد پرندک، دانشگاه غیرانتفاعی، ساوه، ایران.

مقدمه

از نظر کیم و سون^۱ (۲۰۱۳)، مدیریت سود واقعی، مداخله‌ی هدفمند در فرآیند گزارش‌گری مالی برون سازمان شرکت به قصد کسب منافع شخصی است و حمایت سهامداران نهادی نقطه عطف این مداخله می‌باشد. لیوز و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، معتقد بودند که مدیریت سود بخشی از حسابداری طراحی شده است و نحوه حمایت سهامداران نهادی از این طراحی از قبل تعیین شده می‌باشد. یعنی ترسیم هدف و تصویر از پیش ساخته برای انتقال اطلاعات با به کارگیری اطلاعات حسابداری امکان پذیر است. هموار سازی سود، مدیریت سود، حسابداری ساختگی و قصورهای سیستم حسابداری ابعاد مختلف حسابداری طراحی شده هستند (لاپورتا و همکاران،^۳ ۲۰۱۹). بونلرت تایلندی و همکاران^۴ (۲۰۱۷) رابطه بین حمایت سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود واقعی را با استفاده از داده‌های ۳۱ کشور در طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در کشورهایی که حمایت از سرمایه‌گذار در حد پیشرفته می‌باشد، هموارسازی و مدیریت سود نیز بر مبنای اقلام واقعی انجام شده است. شن و چی^۵ (۲۰۱۵)، نشان دادند که مدیریت سود در کشورهای با حمایت قوی‌تر سرمایه‌گذار و افشای حسابداری شفاف‌تر برای بانک‌ها کاهش می‌یابد. شن و چی^۵ (۲۰۱۹) معتقد بودند هر چه اندازه‌ی شرکت بزرگ‌تر باشد، مدیران این شرکت‌ها انگیزه‌ی بیشتری برای مدیریت سود خواهند داشت. زیرا، با بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخ‌گویی مدیران در مقابل ذی‌نفعان بیشتر، افزایش می‌یابد. بونلرت تایلندی و همکاران^۶ (۲۰۰۶)، به این نتیجه رسیدند شرکت‌های بزرگ‌تر در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر، از مدیریت سود بیشتری استفاده می‌کنند. شاخص افشاء مدیریت سود اتفاق افتاده در شرکت‌ها، به عنوان معیاری قابل توجه در جهت اندازه‌گیری میزان تاثیرگذاری حمایت سرمایه‌گذاران نهادی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی محسوب می‌شود (لیوز و همکاران^۷، ۲۰۰۳). همچنین نرخ رشد فروش شرکت‌ها؛ نشان دهنده میزان کاهش مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری بوده و گواه این مطلب می‌باشد که شرکت عملکرد بهینه‌ای را تجربه کرده است (فرانسیس و همکاران^۸، ۲۰۱۱). عملکرد شرکت را می‌توان با استفاده از شاخص‌های متعددی مانند تغییر در میزان فروش، تولید، جریان نقدی، نسبت بازدهی حقوق صاحبان سهام و نسبت بازدهی دارایی‌ها اندازه‌گیری کرد. کوثری و همکاران^۹ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت بین سود تعهدی و شاخص از قبل تعیین شده (سود پیش بینی شده) با ارتقاء عملکرد شرکت، افزایش می‌یابد. آنان به این نتیجه رسیدند که کیفیت عملکرد بر مدیریت سود موثر است. غالباً پیش‌بینی می‌شود شرکت‌هایی که از رشد مداوم سود طی چند سال متوالی برخوردار هستند، در آینده نیز به این روند ادامه دهند. دگرگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سهام شرکت‌هایی که از رشد مداوم سود طی چند سالی متوالی برخوردار هستند، به مبلغی بیش از سهام شرکت‌هایی که دارای چنین رشدی نیستند، ارزش‌گذاری می‌شوند. هنگامی که این رشد متوقف می‌شود،

1 - Kim, J., Sohn, B.C.

2 - Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.

3 - La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A.

4 - Boonlert-U-Thai, K., Meek, G.K., Nabar, S.

5 - Shen, C.H., Chih, H.L.

6 - Boonlert-U-Thai, K., Meek, G.K., Nabar, S.

7 - Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.

8 - Francis, B., Hasan, I., Li, L.

9 - Kothari, S.P., Mizik, N., Roychowdhury, S.

10 - Degeorge, F., Ding, Y., Jeanjean, T., Stolowy, H.

ارزش سهام شرکت‌های مذکور به شدت سقوط می‌کند. این موضوع انگیزه‌ی زیادی برای انجام مدیریت سود واقعی ایجاد می‌کند. در این حالت، هدف مدیریت سود جلوگیری از کاهش سود و ارزش سهام و قدرت مدیرعامل اینگونه شرکت‌هاست (؛ یو^{۱۱}، ۲۰۱۸). بسیاری از پژوهش‌ها با استفاده از مبنای تعهدی به عنوان نماینده کلیدی مدیریت سود، میزان سطح کیفیت افشای و توانایی‌های مدیرعامل شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. علاوه بر این، مدیران شرکت‌ها با توجه به فرآیندهای تعهدی، می‌توانند فعالیت واقعی سود را تغییر داده و کیفیت حسابرسی را تا حد قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار دهند. مطالعات اخیر، مدیریت سود واقعی را به عنوان یک موضوع مهم در مدیریت درآمد مطرح کرده و اندازه شرکت‌ها را مبنی مقایسه مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی واقعی و اختیاری قرار داده‌اند (رویچودهی^{۱۲}، ۲۰۱۶) در حالی که مدیریت سود واقعی و تعهدی می‌تواند تأثیر منفی بر ارزش آینده شرکت داشته باشد (بوهجراج و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۹؛ کوهن و زاروین^{۱۴}، ۲۰۱۰). تجربه نشان داده است که تنظیم کنندگان صورت‌های مالی و حساب‌رسان نمی‌توانند شرکت را از درگیر شدن در مدیریت سود واقعی^{۱۵} نجات داده و انحرافات موجود را مهار کنند. از این رو، به نظر می‌رسد تنها متغیری که می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی قابل توجهی بر مدیریت سود واقعی داشته باشد، حمایت سرمایه‌گذاران نهادی از افزایش یا کاهش میزان هموار سازی سود می‌باشد (فرانسیس و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۱). اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیأت مدیره مطرح است. تعداد اعضای هیأت مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به پاسخگویی ایشان به وظایف هیأت مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت مدیره، اطمینان خاطر حاصل شود (لی^{۱۷}، ۲۰۱۳). مدیریت سود واقعی به زمانبندی و ساختار بندی فرصت طلبانه معاملات عملیاتی، تامین مالی و سرمایه‌گذاری توسط مدیریت واحد تجاری به منظور تأثیر گذاشتن بر سود گزارش شده توسط مدیریت در جهتی خاص اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که شرکت را از هزینه‌ها و پیامدهای اقتصادی آتی مصون نگه‌دارد (فیچ و شیوداسانی^{۱۸}، ۲۰۱۹). شواهد نشان می‌دهند که مدیران انگیزه‌هایی برای رسیدن به سطح مشخصی از سود (سود هدف) و یا فراتر رفتن از آن را دارند. ولی اینکه در انجام این کار تا چه اندازه می‌توانند به مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اتکاء کنند، مساله‌ای است که هنوز مبهم است. مدیران حرفه‌ای و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات افشای شرکتی، ادعا می‌کنند که رسیدن به سود هدف و دارا بودن قدرت مدیرعامل از این طریق، مشکل است (دیچو و اسکینر^{۱۹}، ۲۰۰۰). هنگامی که برخی از مدیران دولتی، به عضویت هیأت مدیره شرکتی در می‌آیند، مدیریت سود تحت تأثیر قرار گرفته و نوسانات مثبت را تجربه خواهد کرد (پلات و پلات^{۲۰}، ۲۰۱۵). ساختار هیأت مدیره همواره به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذاری در نظر گرفته می‌شود که در بازه‌های زمانی بلندمدت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاری داشته باشد؛ قدرت مدیرعامل نیز عامل دیگری است که می‌تواند با توجه به ساختارهای هیأت مدیره باعث افزایش و یا کاهش نوسانات سرمایه‌گذاری شود. در مجموع، با

11 - Yu, F.

12 - Roychowdhury, S.

13 - Bhojraj, S., Hribar, P., Picconi, M., McInnis, J.

14 - Cohen, D.A., Zarowin, P.

15- Real Earning Management (REM)

16 - Francis, B., Hasan, I., Li, L.

17 - Lee, Cheng.Few.

18 - Fich, Eliezer M., and Anil Shivdasani,

۱۹-Dechow and Skinner

20 - Pllat, H. and Pllat M.

مراجعه به یافته‌های پژوهشی داخلی و خارجی، پژوهشی با زمینه موضوعی پژوهش حاضر در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. از این رو، مسأله پژوهش حاضر بررسی تاثیر ساختار هیأت مدیره و قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا سؤال پژوهشی ذیربط به صورت زیر است:

تأثیر ساختار هیأت مدیره و قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

بیان مسله و پیشینه پژوهش

امروزه اهمیت مباحث مدیریت سود بر کسی پوشیده نیست. مدیران شرکت‌ها با انگیزه‌های مختلف دست به مدیریت سود می‌زنند. طبق پژوهش‌های کوهن و همکاران^{۲۱} (۲۰۰۸)، سرمایه گذاران و مدیران شرکت‌ها به دقت به گزارشگری سود شرکت توجه می‌کنند. مدیریت از اهمیت سود برای ذی نفعان شرکت آگاهی دارد و پاداش خود را پیامد طبیعی سود حسابداری می‌داند. نتایج پژوهش گراهام و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۰)، نشان داد که تغییرات سود حسابداری و قیمت سهام هم جهت و مرتبط هستند. یعنی اطلاعات سود حسابداری دربرگیرنده‌ی عواملی است که بر قیمت سهام موثر بوده و می‌تواند سودمند واقع شود. پژوهش‌های متعدد (لیوز و همکاران^{۲۳}، ۲۰۰۳؛ شن و چی^{۲۴}، ۲۰۱۹؛ بونلرت تایلندی و همکاران^{۲۵}، ۲۰۱۸) حاکی از آن است که دریافت پاداش، قراردادهای وام، بازار سرمایه، هموار سازی سود و پارامترهای سیاسی از مهم‌ترین انگیزه‌های مدیریت سود و افزایش قدرت مدیرعامل هستند. از نظر کیم و سون^{۲۶} (۲۰۱۳)، مدیریت سود زمانی انجام می‌شود که مدیران، قضاوت و سلیقه‌ی خود را در گزارشگری مالی با هدف گمراه کردن کاربران اطلاعات مالی به کار برند. در این حالت، مدیران روش‌هایی را در سیستم حسابداری و گزارشگری سود انتخاب می‌کنند که منعکس کننده‌ی اوضاع واقعی اقتصادی شرکت نیستند. اهمیت کسب سود واقعی در اقتصاد به حدی است که چیزی حدود ۳۵ درصد (۱۷۵ شرکت) از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی، کمیته‌هایی را برای ارزیابی سود واقعی ایجاد کرده‌اند (ماشیرو و همکاران^{۲۷}، ۲۰۲۱). به همین منظور، در بسیاری کشورها شاخص‌های متعددی برای تعریف سود واقعی بدون تحریف و دست‌کاری ارائه شده است و پژوهشگران در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت حمایت سهامداران نهادی در ارتباط با مدیریت سود و میزان تاثیرگذاری آن‌ها بر تصمیمات هیأت مدیره، پژوهش‌های مختلفی را در مورد این موضوع انجام داده‌اند. شرکت‌های دارای هیأت مدیره پایدارتر از عملکرد بهتر و قدرت مدیرعامل بالاتری برخوردارند (بکر و همکاران^{۲۸}، ۲۰۱۸). یکی از ضرورت‌های تحقیق حاضر، توجه به پایداری ساختار هیأت مدیره بعنوان یکی از ویژگی‌های هیأت مدیره و پیامدهای آن در تبیین رفتارهای مدیران در ارتباط با مدیریت سود است که پیش از این، کمتر به آن توجه شده است. نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل گران مالی و کارگزاران بورس اوراق بهادار مطرح شد. زیرا آنها احساس می‌کردند، سود گزارش شده قدرت سود را آن چنان نشان نمی‌دهد که در ذهن مجسم

21 - Cohen, D., Dey, A., Lys, T.

22 - Graham, J.R., Harvey, C.R., Rajgopal, S.

23 - Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.

24 - Shen, C.H., Chih, H.L.

25 - Boonlert-U-Thai, K., Meek, G.K., Nabar, S.

26 - Kim, J., Sohn, B.C.

27 - Masahiro et al

28 - Baker et al

می کنند. آنها دریافته اند که پیش بینی سودهای آتی بر مبنای نتایج گزارش شده، کار مشکلی است (بنیش، ۲۰۱۵). ضمناً تحلیل گران دریافته اند که تجزیه و تحلیل صورت های مالی شرکت ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی می باشد. سؤال اساسی اینست که چرا تحلیل گران مالی در ارزیابی خود، از سود خالص گزارش شده یا سود هر سهم شرکت (بدون تعدیل) استفاده نمی کنند و جانب احتیاط را رعایت می کنند. پاسخ این است که در تعیین ارزش شرکت، نه تنها به کمیت سود، بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است. به عبارت دیگر، ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری بستگی ندارد، بلکه به انتظار ما از آینده شرکت و قدرت سودآوری آتی و ضریب اطمینان نسبت به سودهای آتی بستگی دارد. تحلیل گران مالی تلاش می کنند تا چشم انداز سود شرکت را ارزیابی کنند. چشم انداز سود به ترکیب ویژگی های مطلوب و نامطلوب سود خالص اشاره کرد (گراهام و همکاران، ۲۰۲۰). برای نمونه، شرکت دارای عناصر واقلام با ثبات در صورت سود و زیان خود نسبت به شرکت، فاقد این اقلام و عناصر، کیفیت سود بالاتری دارد. همین امر به تحلیل گران اجازه می دهد سود آتی شرکت را با قابلیت اطمینان بیشتری پیش بینی نمایند (هیلی، ۲۰۱۹). مفهوم مدیریت سود از زوایای مختلفی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برای نمونه از نظر گاردون و همکارانش، اگر زمانی مدیران روش خاصی از روشهای حسابداری را برگزینند و نوسانات سودهای گزارش شده کاهش یابد، نتیجه مدیریت سود است. آنها همچنین متذکر می شوند که مدیران در حدود قدرتشان که ناشی از آزادی عمل در چارچوب اصول و روش های پذیرفته شده حسابداری است می توانند روی سود گزارش شده اثر بگذارند (سوگت رویچرهیری، ۲۰۰۶)^{۲۹}. به عقیده هیلی و والن^{۳۰} (۱۹۹۹)، مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری می نمایند. این هدف به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت با تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود شخصی می باشد، صورت می گیرد (کریستین لیوز و همکاران، ۲۰۰۳).

شپیر (۱۹۹۳)، مدیریت سود را دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد به دست آوردن سود، تعریف می کند. به طور کلی می توان گفت که مدیریت سود یعنی اقدامات آگاهانه بعمل آمده توسط مدیریت در خصوص چگونگی گزارش سود جهت رسیدن به اهداف خاص به گونه ای که منطبق با اصول و رویه های حسابداری می باشد. هرچند که این تعریف ها در سطح وسیع مورد پذیرش است، اما کاربرد عملیاتی این تعریف ها، کمی دشوار است، زیرا قصد و نیت مدیریت، شواهد عینی در اختیار نمی گذارد (کی و همکاران، ۲۰۰۳). در ادبیات حسابداری ارائه ی تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نمی باشد. تقلب مالی، حذف یا دستکاری عمدی واقعیات اصلی یا داده های حسابداری است که در کنار سایر داده های موجود، باعث تغییر قضاوت و یا تصمیم گیری استفاده کننده از داده ها خواهد شد. جهت تعیین خط مشی کمیسیون بورس اوراق بهادار در خصوص مدیریت سود، نظرهای اخیر کمیسیون بورس اوراق بهادار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در حالی که بیشتر این منابع به واژه مدیریت سود اشاره داشتند، ولی هیچ کدام از این منابع تعریف روشنی از مدیریت سود ارائه نداده اند.

29 . Sugata Roychowdhury.

30 . Healy & Wahlen.

هرچند که لویت^{۳۱} (۱۹۹۸)، خاطرنشان می‌سازد که انعطاف پذیری در حسابداری به این حرفه اجازه می‌دهد که نوآوری‌هایی داشته باشد. انحرافات چون مدیریت سود، هنگامی رخ می‌دهد که افراد از این انعطاف پذیری سوء استفاده می‌نمایند و از این انحرافات جهت پوشش نوسان‌های مالی واقعی استفاده می‌شود. این مهم باعث می‌شود نتایج واقعی عملکرد مدیریت آشکار نشود (نوروش و همکاران، ۱۴۰۰). مدیریت جدید با تصمیم‌گیری مشارکتی و کار فعالانه گروهی تعریف می‌شود و زنان به طور سنتی همواره با تقسیم مسوولیت‌ها، کمک به دیگران و پدید آوردن شبکه‌های ارتباطی مقاصد خود را پیش برده و امور زندگی‌شان را مدیریت کرده‌اند، در سطوح مدیریتی نیز توجه به گرامرهای زیستی و اجتماعی زنان همواره مورد توجه در بحث‌های مدیریتی بوده است تا جایی که مبحثی با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در مدیریت» به این استانداردها و معیارهای سازمانی رعایت نشده باشند، مداخله کنند. (باس، ۲۰۲۱) نظارت سهامدار یک مکانیزم داخلی حاکمیت شرکتی است. تئوری نمایندگی ادعا می‌کند که انگیزه بی‌درنگ نظارت کردن هیات مدیره را بهتر می‌کند، بدون اینکه توانایی اعضای هیات مدیره را در نظر بگیرد. (یاتیم، ۲۰۱۶)، هیلمن و دلزیل (۲۰۰۳) اشاره کردند که هم توانایی و هم انگیزه روی عملکرد هیات مدیره اثر دارند. مخصوصاً آنها اشاره کردند که دو هیات مدیره با ترکیب یکسان از استقلال مدیران کارایی نظارتی مشابه‌ای را ارائه می‌کنند. نظارت سهامدار احتمالاً هم روی انگیزه و هم روی توانایی اعضای هیات مدیره اثر می‌گذارد. رامسی و بلایر بر این عقیده‌اند که افزایش تمرکز مالکیت سهامداران بزرگ، انگیزه کافی برای نظارت بر مدیران فراهم می‌آورد. دمستز و لهن به طور تجربی این دیدگاه را با این یافته که دارندگان سهام بیشتر، انگیزه تحمل هزینه‌های ثابت جمع‌آوری اطلاعات و دخالت در نظارت مدیریت را دارند، حمایت می‌کنند. در مقابل مالکیت‌های پراکنده انگیزه کمی برای نظارت بر مدیریت دارند. در وضعیت‌هایی که سهامداران منافع کمتری در شرکت دارند، هیچ انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیران ندارند یا انگیزه کمی دارند، زیرا هزینه‌های نظارت بر منافع نظارت مدیران فزونی خواهد داشت. در کشور ما، به دلیل شفافیت کم، اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت سود شرکت‌ها و به تبع عدم تشخیص و تفکیک شرکت‌هایی که دست به مدیریت سود می‌زنند با شرکت‌هایی که سود را به صورت شفاف و واقعی ارایه می‌کنند، پژوهش‌های زیادی در مورد شرکت‌های مذکور صورت نگرفته است. به دلیل اهمیت سود به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و وجود مقوله مدیریت سود به عنوان سازوکاری برای دست‌کاری سود توسط مدیران، هیات مدیره نقش مهمی را در فرایند گزارش‌گری مالی ایفا می‌کند. لذا از جایگاه مهمی در حاکمیت شرکتی برخوردار است؛ در نتیجه می‌توان گفت ثبات و پایداری هیأت مدیره در نظارت موثر بر عملکرد مدیران اجرایی تأثیر زیادی دارد. از این رو، ضرورت انجام پژوهش حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) لزوم دقت در ساز و کارهای راهبری شرکتی و ساختار هیات مدیره به منظور تهیه مبنای مناسب جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان؛

ب) شناخت شرکت‌های فعال در بورس ایران از لحاظ نوع رفتار مدیریت سود و قدرت مدیر عامل جهت بررسی رابطه آن با دوره تصدی ریاست هیات مدیره و ساز و کارهای راهبری شرکتی؛

ج) لزوم بکارگیری مدل‌های مناسب و جدید جهت بررسی و تأثیر ساختار هیات مدیره و قدرت مدیر عامل بر مدیریت سود واقعی و تعهدی.

پیشینه خارجی:

نور و همکاران^{۳۲} (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان "ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود در شرکت‌های مالزی" به بررسی روابط بین این متغیرها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین ترکیب هیأت مدیره و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام شده به این نتیجه رسیدند که بین اندازه هیأت مدیره و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه معکوسی وجود دارد. در ادامه نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین دوگانگی مدیر عامل و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد. و در نهایت نتایج پژوهش آن‌ها نشان از آن داشت که بین نسبت مدیران دولتی عضو هیأت مدیره و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد.

واسیوزامن و آروموگان^{۳۳} (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و سرمایه در گردش" با استفاده از اطلاعات مالی ۱۹۲ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ به بررسی روابط بین این متغیرها پرداختند. تعداد نمونه پژوهش آن‌ها شامل ۱۵۳۶ شرکت-سال می‌باشد. آن‌ها شواهدی مبنی بر عدم رابطه ای معنادار بین ویژگی‌های هیأت مدیره شامل اندازه هیأت مدیره و درصد مدیران غیرموظف با سرمایه در گردش خالص دست یافتند. علاوه بر این، نتایج آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی با میزان دارایی‌های مشهود و اهرم کمتر، رشد فروش و جریان‌های نقد عملیاتی بیشتر و همچنین نابرابری اطلاعاتی کمتر، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه در گردش دارند.

پلات و پلات^{۳۴} (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین ورشکستگی و ویژگی‌های هیأت مدیره" به بررسی روابط بین این متغیرها پرداختند. آن‌ها دریافتند که اندازه کمیته حسابرسی، به وضعیت مالی شرکت مرتبط است. یافته‌های آن‌ها نشان داد که کمیته حسابرسی شرکت‌های ورشکسته، به طور متوسط، ۳۸۹ عضو و شرکت‌های غیر ورشکسته تعداد عضو کمتر یعنی ۳۴۵ عضو داشته‌اند. آن‌ها علاوه بر این، مشاهده نمودند که بین درصد مدیران مستقل که در کمیته حسابرسی و شرکت‌های ورشکسته و یا غیر ورشکسته خدمت می‌کنند. اختلاف معناداری وجود دارد. کمیته حسابرسی به همراه حساب‌سازان شرکت، این اطمینان را ایجاد می‌کنند که صورت‌های مالی حسابرسی شده، وضعیت مالی شرکت را، درست و دقیق، منعکس می‌کنند.

عبدالرحمان و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر مدیریت سود و ریسک شرکت‌ها" با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ به بررسی روابط بین این متغیرها پرداختند. تعداد نمونه پژوهش آن‌ها شامل ۲۹۸ شرکت-سال می‌باشد. آن‌ها نشان دادند که ویژگی‌های هیأت مدیره نقش معناداری در کاهش مدیریت سود دارد. همچنین متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل از نقش رییس هیأت مدیره نسبت به سایر متغیرها تأثیر معنادارتری در کاهش مدیریت سود و کاهش ریسک شرکت‌ها دارد.

32 - Nur et al

33 - Wasiuzzaman, S., & Arumugam, V.C.

34 - Pllat, H. and Pllat M.

35 - Abdul Rahman, R., Wan, M., and Zaki Nik, S.

پیشینه داخلی:

قربانی اسفهلان (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان نقش ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود با استفاده از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ با استفاده از رگرسیون خطی پرداختند. نتایج آزمون نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری دارند. همچنین در دیگر نتایج آزمون فرضیه ها مشاهده شد که ساختار مالکیت رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تعدیل می کنند.

فروغی و رحیمی (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ با استفاده از روش رگرسیون چندگانه در بین داده های ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با توجه به اینکه هیأت مدیره به نمایندگی از مالکان مدیر را استخدام می کند، احتمال اینکه در قرارداد مربوطه بر معیارهای عملکرد مدنظر مالکان تاکید شود بسیار بیشتر از معیارهای عملکردی است که سایر ذینفعان شرکت به آن اهمیت می دهند. بدیهی است مالکان در صورتی اختیار و قدرت بیشتری به مدیرعامل اعطا می کنند که احتمال بهبود معیارهای مذکور بیشتر شود. رابطه مثبت بین قدرت مدیرعامل و بازده حقوق صاحبان سهام می تواند تایید این ادعا باشد. با بهبود معیارهای عملکرد مدنظر صاحبان سهام انتظار می رفت ارزش سرمایه گذاری آنها که در معیار کیوتوبین منعکس می شود، بهبود یابد. یافته های پژوهش نیز این ادعا را تایید می کنند.

مرادی رودپشتی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی جامع مدیریت سود مبتنی بر تفکر انتقادی با استفاده از روش ANP فازی پرداختند. نتایج پژوهش نشان از آن داشت که در بین عوامل مدیریت سود مبتنی بر تفکر انتقادی مولفه اصلی روش های گزارشگری مالی و محرک های بازار سرمایه بیشترین تاثیر را بر روی شکل گیری و الگوی مدیریت سود داشته اند.

قربانی گلپور (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی با تاکید بر نقش تعدیلی قدرت هیأت مدیره در طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج نشان می دهد که قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی تاثیر معناداری ندارد و همچنین قدرت هیأت مدیره تاثیری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی ندارد. به عبارت دیگر می توان این گونه تفسیر کرد که مداخله استقلال قدرت هیأت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی نتوانسته تاثیری بر رابطه مذکور داشته باشد و این رابطه معنادار نشده است.

نخعی و احمدپور (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان تاثیر ساختار هیات مدیره حاکمیت شرکتی بر معیارهای عملکرد و محافظه کاری غیرشرطی شرکت های ایرانی با استفاده از اطلاعات ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ با استفاده از روش تجربی و همبستگی پرداختند. نتایج پژوهش آن ها نشان از آن داشت که ساختار هیات مدیره بر نسبت کیوتوبین تاثیر مثبت داشته و برای سایر متغیرها معنی دار نمی باشد. حاکمیت شرکتی نیز بر معیارهای سود تقسیمی، نرخ بازده دارایی ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و محافظه کاری غیرشرطی تاثیر مثبت دارد، لکن برای نسبت کیوتوبین و بازده سهام معنی دار نیست.

جهانفر (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه کارایی مدیریت با سرمایه گذاری مدیریت سود واقعی و تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ پرداخت. نتایج پژوهش وی

نشان از آن داشت که مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی بر کارایی مدیریت ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه مدیریت سود واقعی و تعهدی بیشتر شود، کارایی مدیریت نیز بیشتر خواهد بود.

فرضیه های پژوهش

۱. ساختار هیأت مدیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است

۲. قدرت مدیر عامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است

۳. ساختار هیأت مدیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده ها از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی است جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها، اطلاعات مورد نیاز از طریق صورت های مالی حسابرسی شده شرکت های مورد رسیدگی برای یک دوره شش ساله (۱۳۹۵-۱۴۰۰) جمع آوری خواهد شد. پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز شرکت های مورد رسیدگی، فرضیه های تحقیق با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون و روش آماری پانل دیتا، مورد بررسی قرار گرفته و ابتدا محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار اکسل انجام گرفته و داده ها برای تجزیه و تحلیل آماده خواهند گردید، سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل های نهایی از نرم افزارهای Spss، Eviews و Minitab، استفاده می گردد. جامعه آماری دارای تمامی شرایط پیش فرض در نظر گرفته شده است

۱- با توجه به اطلاعات مورد نیاز از سال ۱۳۹۵، شرکت هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۵ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده اند و نام آنها تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت های مذکور، حذف نشده باشد.

۲- در طول دوره مورد نظر، سهام آنها به طور فعال در بورس معامله شده باشد.

۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت های مورد بررسی، دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه بوده و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.

۴- جزء شرکت های واسطه گری مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک ها و بیمه ها) به دلیل متفاوت بودن عملکرد آنها، نباشند.

۵- اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

در پژوهش حاضر بعد از اعمال پیش فرض ها، ۱۰۹ شرکت به عنوان جامعه نمونه مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۸) مدل‌های پژوهش

برای آزمون سئوال‌های پژوهشی ۱ تا ۴ به ترتیب از مدل پژوهش به شرح زیر بهره گرفته خواهد شد. در این مدل اگر ضرایب β_i (ضرایب مربوط به متغیرهای مستقل) در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار باشد به ترتیب فرضیه‌های ۱ مدل پژوهش بر گرفته از پژوهش بکر و همکاران^{۳۶} (۲۰۱۸) به صورت زیر برآورد شده‌اند:

$$\frac{|DA|}{DE}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 PRE - CEO - POWER_{i,t} + \alpha_2 POST - CEO - POWER_{i,t} + \alpha_3 PRE - CFO - POWER_{i,t} + \alpha_4 POST - CFO - POWER_{i,t} + \alpha_5 PRE - BOTH_{i,t} + \alpha_6 POST - BOTH_{i,t} + \alpha_7 PRE - CONTROLS_{i,t} + \alpha_8 POST - CONTROLS_{i,t} + \alpha_9 YEAR_{i,t} + \alpha_{10} IND_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این مدل‌ها داریم:

i ، بیان گر شرکت (واحدهای مقطعی) و t بیان گر سال می‌باشد.

$\varepsilon_{i,t}$ = خطای تصادفی شرکت i در سال t .

۳-۷) تعریف متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها

متغیرهای این پژوهش به سه گروه طبقه بندی می‌شود:

۱- متغیرهای وابسته:

- مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت i در سال t ($|DA|_{i,t}$).

- مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکت i در سال t ($DE_{i,t}$).

۲- متغیرهای مستقل:

- ساختار هیأت مدیره شرکت i در سال t ($PRE - CEO - POWER_{i,t}$).

- قدرت مدیرعامل شرکت i در سال t ($PRE - CFO - POWER_{i,t}$).

۳- متغیرهای کنترلی:

- مالکیت نهادی شرکت i در سال t ($POST - CEO - POWER_{i,t}$).

- نسبت نقدینگی شرکت i در سال t ($POST - CFO - POWER_{i,t}$).

- نرخ رشد قیمت سهام شرکت i در سال t ($PRE - BOTH_{i,t}$).

- ارزش بازار سهام شرکت i در سال t ($POST - BOTH_{i,t}$).

- فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t ($PRE - CONTROLS_{i,t}$).

- نسبت اهرم مالی شرکت i در سال t ($POST - CONTROLS_{i,t}$).

- سال مورد بررسی شرکت i در سال t ($YEAR_{i,t}$).

- اثرات صنعت شرکت i در سال t ($IND_{i,t}$).

تعاریف عملیاتی متغیرها:

تعاریف عملیاتی متغیرهای وابسته:

مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت i در سال t : $(|DA|_{i,t})$:

مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی به صورت زیر محاسبه خواهد شد (فرانسیس و همکاران^{۳۷}، ۲۰۱۷):

$$ACC_{i,t} = \delta_0 + \delta_1(1 + K)\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t} + \delta_2 PPE_{i,t} + \delta_3 ACC_{i,t-1} - 1 + \delta_4 REV - GR_{i,t} + e_{i,t}(A)$$

که در آن:

$ACC_{i,t}$ = برابر است با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

K = برابر است با ضریب ثابت رگرسیون.

$\Delta SALES_{i,t}$ = برابر است با نرخ رشد فروش شرکت:

رشد فروش شرکت، با استفاده از مدل زیر محاسبه می شود:

$$SALES_{i,t-1} = \frac{S_{i,t} - S_{i,t-1}}{S_{i,t-1}}$$

$SALES_{i,t-1}$ = رشد فروش شرکت i در سال t

$S_{i,t}$ = فروش خالص شرکت i در سال t

$S_{i,t-1}$ = فروش خالص شرکت i در سال $t-1$ می باشد

$\Delta AR_{i,t}$ = برابر است با نرخ رشد حساب های دریافتی شرکت.

در ابتدا نسبت حساب های دریافتی به صورت زیر محاسبه می گردد:

نسبت حساب های دریافتی برابر است با حساب های دریافتی تقسیم بر ارزش کل دارایی های جاری (پان و تیان^{۳۸}، ۲۰۱۴).

سپس نرخ رشد حساب های دریافتی شرکت، با استفاده از مدل زیر محاسبه می شود:

$$\Delta AR_{i,t} = \frac{AR_{i,t} - AR_{i,t-1}}{AR_{i,t-1}}$$

$\Delta AR_{i,t}$ = رشد حساب های دریافتی شرکت i در سال t

$AR_{i,t}$ = حساب های دریافتی شرکت i در سال t

$AR_{i,t-1}$ = حساب های دریافتی شرکت i در سال $t-1$ می باشد.

$PPE_{i,t}$ = برابر است با خالص ارزش دفتری اموال، ماشین آلات و تجهیزات.

$ACC_{i,t} - 1$ = برابر است با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در سال ماقبل سال مورد بررسی.

$REV - GR_{i,t}$ = برابر است با نرخ رشد درآمد شرکت:

درآمد شرکت i در سال t ($Inv_{i,t}$) = برابر است با نرخ رشد درآمد شرکت که به صورت زیر محاسبه می شود.

$$REV - GR_{i,t} = \frac{I_{i,t} - I_{i,t-1}}{I_{i,t-1}}$$

$REV - GR_{i,t}$ = نرخ رشد درآمد شرکت i در سال t .

$I_{i,t}$ = درآمد شرکت i در سال t .

$I_{i,t-1}$ = درآمد شرکت i در سال $t-1$ می باشد.

$e_{i,t}(A)$ = برابر است با انحرافات مدل مورد بررسی.

مدیریت سود مبتنی بر اقلام واقعی شرکت i در سال t ($DE_{i,t}$):

مدیریت سود مبتنی بر اقلام واقعی به صورت زیر محاسبه خواهد شد (بکر و همکاران^{۳۹}، ۲۰۱۸):

$$DE_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1(1/SIZE_{i,t}) + \gamma_2(SALES_{i,t-1}/SIZE_{i,t-1}) + e_{i,t}(A)$$

که در آن:

$DE_{i,t}$ = مدیریت سود مبتنی بر اقلام واقعی

$SIZE_{i,t}$ = اندازه شرکت برابر است با لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی های شرکت.

$SALES_{i,t-1}$ = برابر است با نرخ رشد فروش شرکت:

رشد فروش شرکت، با استفاده از مدل زیر محاسبه می شود:

$$SALES_{i,t-1} = \frac{S_{i,t} - S_{i,t-1}}{S_{i,t-1}}$$

$SALES_{i,t-1}$ = رشد فروش شرکت i در سال t

$S_{i,t}$ = فروش خالص شرکت i در سال t

$S_{i,t-1}$ = فروش خالص شرکت i در سال $t-1$ می باشد.

$SIZE_{i,t-1}$ = نرخ رشد اندازه شرکت برابر است با:

(میزان اندازه شرکت در پایان سال جاری منهای میزان اندازه شرکت در پایان سال ماقبل سال جاری) تقسیم بر اندازه شرکت در پایان سال ماقبل سال جاری.

و همچنین اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی ها (گراهام و همکاران^{۴۰}، ۲۰۱۳).

$e_{i,t}(A)$ = برابر است با انحرافات مدل مورد بررسی.

تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل:

ساختار هیأت مدیره شرکت i در سال t ($PRE - CEO - POWER_{i,t}$):

ساختار هیأت مدیره شرکت ها از طریق چهار عامل: اندازه هیأت مدیره، درصد اعضای مستقل هیأت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و لگاریتم تعداد کل اعضای مستقل به دست خواهد آمد (دیمیتریوپولس و استریوس^{۴۱}، ۲۰۲۰):

اندازه هیأت مدیره ($female_{i,t}$): برابر است با لگاریتم تعداد کل اعضای هیأت مدیره.

درصد اعضای مستقل هیأت مدیره ($indep_nonexe_{i,t}$): برابر است با نسبت اعضای مستقل هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره.

39 - Baker et al

40 -Graham.

41- Dimitropoulos, P. E. and Asteriou.

دوگانگی مدیر عامل ($dual_{i,t}$): متغیر مصنوعی ای است که اگر مدیر عامل شرکت رئیس هیأت مدیره نیز باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر می باشد.

لگاریتم تعداد کل اعضای مستقل ($\ln bsiz_{i,t}$): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد کل اعضای مستقل نسبت به کل اعضای هیأت مدیره.

قدرت مدیر عامل شرکت t سال $(PRE - CFO - POWER_{i,t})$.

که از طریق نرخ رشد جریان های نقدی محاسبه خواهد شد (فرانسیس و همکاران^{۴۲}، ۲۰۱۷).
جریان های نقدی که نحوه محاسبه آن به صورت زیر می باشد:

$$PRE - CFO - POWER_{i,t} = \frac{CF_{i,t} - CF_{i,t-1}}{CF_{i,t-1}}$$

$PRE - CFO - POWER_{i,t}$ = نوسان پذیری جریان نقدی شرکت t سال

$CF_{i,t}$ = جریان نقدی شرکت t سال

$CF_{i,t-1}$ = جریان نقدی شرکت $t-1$ سال می باشد.

تعاریف عملیاتی متغیرهای کنترل:

مالکیت نهادی شرکت t سال $(POST - CEO - POWER_{i,t})$.

برابر است با حاصل تقسیم سهامداران نهادی بر کل سهامداران شرکت (بکر و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۸).

نسبت نقدینگی شرکت t سال $(POST - CFO - POWER_{i,t})$.

نسبت نقدینگی شرکت: برابر است با حاصل تقسیم دارایی های نقد شونده بر ارزش دفتری کل دارایی های شرکت (واسیوزامن و آروموگان^{۴۴}، ۲۰۱۵).

نرخ رشد قیمت سهام شرکت t سال $(PRE - BOTH_{i,t})$.

نحوه محاسبه نرخ رشد قیمت سهام به صورت زیر می باشد (رامسی و مدر^{۴۵}، ۲۰۱۲).

(قیمت سهام در پایان سال جاری منهای قیمت سهام در پایان سال ماقبل سال جاری) تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال ماقبل سال جاری.

ارزش بازار سهام شرکت t سال $(POST - BOTH_{i,t})$.

برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت در سال ماقبل سال جاری (واسیوزامن و آروموگان^{۴۶}، ۲۰۱۵).

فرصت های سرمایه گذاری شرکت t سال $(PRE - CONTROLS_{i,t})$.

فرصت های سرمایه گذاری شرکت t سال. برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام که به عنوان نماینده ای از فرصت های سرمایه گذاری استفاده شده است (دیمیتروپولس و استریوس^{۴۷}، ۲۰۲۰).

نسبت اهرم مالی شرکت t سال $(POST - CONTROLS_{i,t})$.

42 - Francis, B., Hasan.

43 - Baker et al.

44 - Wasiuzzaman, S., & Arumugam.

45 - Ramasay, A, Oei, R, and P. Mather.

46 - Wasiuzzaman, S., & Arumugam.

47 - Dimitropoulos, P. E. and Asteriou.

برابر است با مجموع بدهی‌های کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها (فرانسیس و همکاران^{۴۸}، ۲۰۱۷).

سال مورد بررسی شرکت ادر سال t ($YEAR_{i,t}$).

برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت در بازار سرمایه (بکر و همکاران^{۴۹}، ۲۰۱۸).

اثرات صنعت شرکت ادر سال t ($IND_{i,t}$).

یک متغیر صفر و یک برای طبقه بندی صنعت مورد فعالیت می‌باشد. در جائیکه شرکت‌های مورد بررسی تولیدی باشند، ($IND=1$) و برای سایر شرکت‌ها ($IND=0$) می‌باشد. این متغیر برای کنترل تفاوت ثبات سود و کیفیت ارقام تعهدی شرکت‌های صنعتی (تولیدی) با ثبات سود و کیفیت ارقام تعهدی سایر شرکت‌ها به کار گرفته می‌شود (مسر و همکاران^{۵۰}، ۲۰۱۱).

یافته‌های پژوهش

به طور کلی، روش‌هایی را که به وسیله آن‌ها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه یا نمونه می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه یا نمونه پژوهش است (آذر و مؤمنی، ۱۳۹۸، ص ۸). در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی هم‌چون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار، چولگی^{۵۱} و کشیدگی^{۵۲} صورت گرفته است.

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل پس از غربال‌گری و حذف داده‌های پرت^{۵۳} به کمک نرم افزار Spss در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی	۶۵۴	۰/۴۶۱۹	۰/۵۲۸۹	۰/۰۰۲۹	۰/۸۸۱۴	۳/۰۵۳	۴/۴۶۰
مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی	۶۵۴	۰/۱۸۴۰	۰/۴۶۶۰	۰/۰۴۲۸	۰/۷۳۴۴	۲/۹۳۴	۵/۰۱۱
ساختار هیأت مدیره	۶۵۴	۰/۳۵۳۹	۰/۲۸۵۲	۰/۰۰۱۸	۰/۶۴۴۴	۱/۲۴۲	۱/۸۴۶
قدرت مدیرعامل	۶۵۴	۰/۳۳۶۲	۰/۵۰۹۴	۰/۰۴۸۱	۰/۵۹۴۹	۳/۵۶۵	۴/۷۶۱

48 - Francis, B., Hasan.

49 - Baker et al.

50 - Messier, Reynolds, Simon, & Wood.

51- Skewness

52- Kurtosis

^{۵۳} داده‌های پرت (outliers) مشاهداتی هستند که در فاصله دورتری از سایر داده‌ها قرار گرفته و مقادیر آن‌ها نسبت به مقادیر دیگر در بین مجموعه داده‌ها بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است. داده‌های پرت می‌تواند بر تحلیل‌های آماری اثرات نامطلوبی از قبیل افزایش واریانس خطا، کاهش توان آزمون، بر هم زدن توزیع نرمال داده‌ها و برآورد اریب پارامترها بگذارد و لازم است محقق پس از شناسایی آن‌ها در جهت حذف آن‌ها تصمیم‌گیری نماید.

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
مالکیت نهادی	۶۵۴	۰/۲۵۱۰	۰/۴۹۷۹	۰/۰۶۲۵	۰/۳۲۴۵	۲/۱۹۷	۱/۹۶۷
نسبت نقدینگی	۶۵۴	۰/۱۴۵۳	۰/۵۱۷۶	۰/۰۳۲۵	۰/۴۶۸۱	۲/۷۲۵	۳/۴۲۸
نرخ رشد قیمت سهام	۶۵۴	۰/۲۳۵۸	۰/۶۳۹۸	۰/۰۴۱۳	۰/۴۹۸۰	۱/۴۷۹	۱/۸۷۸
ارزش بازار سهام	۶۵۴	۰/۶۰۴۷	۰/۲۳۲۰	۰/۰۷۵۲	۰/۸۱۵۴	۲/۴۸۹	۱/۰۲۸
فرصت های سرمایه گذاری	۶۵۴	۰/۳۸۱۹	۰/۴۶۳۵	۰/۰۸۳۳	۰/۵۹۶۲	۱/۰۱۶	۱/۴۷۲
متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
نسبت اهرم مالی	۶۵۴	۰/۲۷۰۹	۰/۳۵۷۸	۰/۱۲۵۱	۰/۶۳۲۶	۳/۵۷۶	۳/۴۲۸
سال مورد بررسی	۶۵۴	۲/۱۳۹۰	۰/۲۵۴۸	۱/۲۵۴۱	۵/۵۵۵۴	۴/۸۵۰	۷/۶۱۹
اثرات صنعت	۶۵۴	۰/۱۴۷۳	۰/۷۵۰۶	۰	۱	۱/۳۶۳	۵/۲۰۷

با توجه به جدول شماره ۱، میانگین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکت های نمونه به ترتیب برابر با ۰/۴۶۱۹ و ۰/۱۸۴۰ بوده و کم ترین و بیشترین مقدار آن برابر با ۰/۰۲۹ و ۰/۸۸۱۴ می باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست.

جدول شماره ۲، نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح معناداری (Sig)
مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی	۶۵۴	۰/۶۵۰	۰/۷۹۲
مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی	۶۵۴	۰/۵۹۹	۰/۸۶۶

با توجه به جدول شماره ۲، از آن جایی که بعد از نرمال سازی داده ها سطح معناداری (Sig.) آماره کولموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۷۹۲) و (۰/۸۶۶)، بنابراین فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان گر این است که متغیرهای وابسته پژوهش بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می باشد.

نتایج آزمون فرضیه های اول و دوم

جدول شماره ۳ نتایج آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی				
تعداد مشاهدات: ۶۵۴ سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	رابطه
جزء ثابت	۰/۶۳۳۷	۲/۳۹۱۶	۰/۰۰۰۰	مثبت
ساختار هیأت مدیره	۰/۰۷۰۵	۲/۹۳۳۰	۰/۰۳۳۸	مثبت

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

تعداد مشاهدات: ۶۵۴ سال - شرکت

قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۷۴	۳/۳۴۱۵	۰/۰۰۲۸	مثبت
مالکیت نهادی	-۰/۰۳۹۱	۳/۷۱۲۸	۰/۰۱۷۳	منفی
نسبت نقدینگی	-۰/۰۱۸۳	۱/۶۸۱۸	۰/۰۲۵۶	منفی
نرخ رشد قیمت سهام	۰/۰۳۷۳	۴/۷۲۱۶	۰/۰۰۰۰	مثبت
ارزش بازار سهام	۰/۲۰۵۵	۳/۴۵۱۹	۰/۰۱۴۵	مثبت
فرصت های سرمایه گذاری	-۰/۰۸۷۳	۴/۴۴۵۷	۰/۰۰۰۶	منفی
نسبت اهرم مالی	۰/۲۴۵۵	۲/۳۶۰۶	۰/۰۴۷۵	مثبت
سال مورد بررسی	۰/۳۸۸۸	۳/۳۳۳۰	۰/۰۱۷۴	مثبت

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

تعداد مشاهدات: ۶۵۴ سال - شرکت

اثرات صنعت	-۰/۰۴۳۲	۳/۳۰۳۴	۰/۰۲۱۶	منفی
ضریب تعیین مدل	۰/۳۳۵۴			
آماره F	۲/۲۸۹۰			
(P-Value)	(۰/۰۰۰۰)			

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۳۳/۵۴ درصد از مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. از آن جایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر ساختار هیأت مدیره کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۳۳۸)، در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۰۷۰۵) حاکی از وجود رابطه مستقیم میان ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت ها می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی ساختار هیأت مدیره؛ مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت ها نیز به میزان ۰/۰۷۰۵ واحد افزایش می یابد. از آن جایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر قدرت مدیرعامل کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۲۸)، در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۰۰۷۴) حاکی از وجود رابطه مستقیم میان قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت ها می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی قدرت مدیرعامل؛ مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکت ها نیز به میزان ۰/۰۰۷۴ واحد افزایش می یابد.

نتایج آزمون فرضیه های سوم و چهارم

جدول شماره ۴ نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی				
تعداد مشاهدات: ۶۵۴ سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	رابطه
جزء ثابت	۰/۲۶۹۵	۱۴/۷۸۵۷	۰/۰۰۰۰	مثبت
ساختار هیأت مدیره	-۰/۰۲۱۵	۳/۶۴۲۶	۰/۰۴۷۲	منفی
قدرت مدیرعامل	۰/۲۹۱۴	۵/۵۰۳۶	۰/۰۰۰۰	مثبت
مالکیت نهادی	-۰/۰۳۰۵	۳/۸۴۲۰	۰/۰۰۰۱	منفی
نسبت نقدینگی	۰/۰۳۱۴	۶/۱۸۲۷	۰/۰۰۰۰	مثبت
نرخ رشد قیمت سهام	۰/۰۱۲۳	۲/۹۷۲۶	۰/۰۴۹۰	منفی
متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی				
تعداد مشاهدات: ۶۵۴ سال - شرکت				
ارزش بازار سهام	-۰/۲۴۲۶	۳/۱۶۶۹	۰/۰۳۲۰	منفی
فرصت های سرمایه گذاری	-۰/۰۲۷۶	۲/۳۴۵۹	۰/۰۴۱۹	منفی
نسبت اهرم مالی	۰/۰۳۵۹	۲/۹۴۴۴	۰/۰۴۲۴	مثبت
سال مورد بررسی	۰/۰۱۷۳	۳/۶۰۸۱	۰/۰۰۳۳	مثبت
اثرات صنعت	-۰/۰۰۴۷	۴/۷۰۴۷	۰/۰۱۱۳	منفی
ضریب تعیین مدل	۰/۳۳۵۴			
آماره F	۲/۲۸۹۰			
(P-Value)	(۰/۰۰۰۰)			

از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر ساختار هیأت مدیره کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۴۷۲)، در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. منفی بودن ضریب این متغیر (-۰/۰۲۱۵) حاکی از وجود رابطه معکوس میان ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی ساختار هیأت مدیره؛ مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها نیز به میزان ۰/۰۲۱۵ واحد کاهش می یابد. از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر قدرت مدیرعامل کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰۰)، در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۲۹۱۴) حاکی از وجود رابطه مستقیم میان قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی قدرت مدیرعامل؛ مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی شرکتها نیز به میزان ۰/۲۹۱۴ واحد افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی ضرورت انجام این پژوهش در موارد زیر خلاصه می‌شود: الف) لزوم دقت در ساز و کارهای راهبری شرکتی و ساختار هیات مدیره به منظور تهیه مبنای مناسب جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان. ب) شناخت شرکت‌های فعال در بورس ایران از لحاظ نوع رفتار مدیریت سود و قدرت مدیر عامل جهت بررسی رابطه آن با دوره تصدی ریاست هیات مدیره و ساز و کارهای راهبری شرکتی. ج) لزوم بکارگیری مدل‌های مناسب و جدید جهت بررسی و تاثیر ساختار هیات مدیره و قدرت مدیر عامل بر مدیریت سود واقعی و تعهدی. پس از تدوین سؤال‌های پژوهشی، برای عملیاتی کردن و تعیین متغیرهایی جهت آزمون آن‌ها، با بهره‌گرفتن از مبانی نظری حسابداری و پژوهش‌های انجام شده قبلی، متغیرهایی برای آزمون سؤال‌ها مشخص گردید. این متغیرها در قالب مدل‌هایی برای آزمون سؤال‌ها تنظیم و مدل‌ها استنتاج گردید.

پس از تعیین متغیرها، تلاش برای جست‌جوی روشی برای اجرای پژوهش ادامه یافت و روش رگرسیون چند متغیره، با توجه به مدل‌های مربوطه، بکار گرفته شد. پس از این که روش پژوهش مشخص شد، با استفاده از ابزارهای مناسب، داده‌های مورد نیاز برای آزمون سؤال‌ها جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل و در نهایت سؤال‌ها آزمون گردید. تمامی نتایج بدست آمده از آزمون هر ۴ سوال پژوهشی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده، ساختار هیات مدیره با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه مثبت و مستقیم و با مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی رابطه منفی و معکوس دارد. همچنین قدرت مدیرعامل با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی رابطه مثبت و مستقیم دارد.

پیشنهاد های پژوهش

پیشنهاد های مبتنی بر نتایج پژوهش:

۱- از آن جهت که افزایش میزان و سطح قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی می‌تواند اثرات مهمی بر تصمیم سرمایه‌گذاران داشته باشد، ارائه اطلاعات کامل و شفاف از سوی مدیریت در زمینه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و ریسک اعتباری، بسیار راه‌گشا خواهد بود.

۲- بهتر است تحلیل‌گران مالی فعال در بازار سرمایه، مشاوران سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار در کنار تحلیل‌ها و تکنیک‌های معمولی که انجام می‌دهند، تحلیل‌های خاصی مبتنی بر وضعیت قدرت مدیرعامل و عوامل تاثیرگذار بر آن و ارزش شرکت‌ها با توجه به استانداردهای حسابداری به عمل آورند.

۳- با توجه به نتایج حاصل از سؤال پژوهشی اول پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در ارتباط با رابطه بین ساختار هیات مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و تاثیرگذاری آن بر رتبه اعتباری شرکت‌ها انجام شود.

پیشنهاد هایی برای پژوهش های آتی:

به منظور استفاده هرچه بیشتر از نتایج پژوهش و نیز کمک به روشن شدن میزان تاثیرگذاری ساختار هیات مدیره و قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در آینده می‌توان به موضوع‌های زیر توجه بیشتری نمود:

۱- مطالعه تاثیر نوع صنعت بر روی روابط بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی و ارزش مورد انتظار شرکت‌ها.

۲- استفاده از سایر متغیرهای ارزیابی کنترلی مانند ساختار هیأت مدیره و رتبه اعتباری، در بررسی رابطه بین مدیریت سود و نوسانات قیمت سهام شرکت‌ها.

۳- با توجه به این که شرکت‌های با فعالیت واسطه‌گری مالی از جامعه پژوهشی حذف شده بودند، پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در رابطه با رابطه بین مدیریت سود و ارزش مورد انتظار در این نوع شرکت‌ها انجام گرفته و نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه گردد.

۴- با توجه به نتایج حاصل از سؤال پژوهشی دوم پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در ارتباط با رابطه بین قدرت مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و تاثیرگذاری آن بر ارزش شرکت‌ها انجام شود.

۵- با توجه به نتایج حاصل از سؤال پژوهشی سوم پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در ارتباط با رابطه بین ساختار هیأت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی و تاثیرگذاری آن بر نوسانات قیمت سهام شرکت‌ها انجام شود.

۶- با توجه به نتایج حاصل از سؤال پژوهشی چهارم پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در ارتباط با رابطه بین قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی و تاثیرگذاری آن بر نرخ رشد فروش شرکت‌ها انجام شود

محدودیت های پژوهش

- به دلیل محدودیت‌های موجود در انتخاب شرکت‌ها و نبود برخی از اطلاعات شرکت‌ها در دوره مورد آزمون، برخی از شرکت‌ها حذف شدند و این باعث شد جامعه مورد بررسی کوچکتر شود.

- با آن که در جمع‌آوری اطلاعات سعی و دقت فراوان صورت گرفته لیکن به دلیل ضعف منابع اطلاعاتی به خصوص در مورد مدیریت سود شرکت‌ها، چند مورد از شرکت‌ها از جامعه آزمون کنار گذاشته شدند.

منابع و مآخذ

ابراهیمی کردلر، علی و الهام حسنی آذر داریانی، ۱۳۸۵ " بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، صص. ۲۳

ابراهیمی میمند، مهدی و زمانی، زینب (۱۳۹۴). " بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی، ساختار مالکیت و ساختار هیأت مدیره بر رابطه بین سود و بازده سهام"، فصلنامه حسابرسی: نظریه و عمل. سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۳، صص ۸۹-۱۱۶.

اسکو، وحید و کاردگر، مجتبی (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر قدرت مدیرعامل بر افشای مسئولیت اجتماعی با تاکید بر اثر تعدیل گر ساختار هیأت مدیره، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال چهارم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹، جلد پنجم، صص ۱۱۵-۱۲۸.

حمیدیان، محسن، جنت مکان، حسین و فلاح، هاجر (۱۳۹۹)، پایداری مالکیت نهادی راهکاری مناسب جهت کنترل مدیریت سود واقعی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۹، صفحه ۱۶۹ تا ۱۹۰.

خدادادی، ولی؛ عربی، مهدی و آل بوعلی، صادق (۱۳۹۴). "اثر تعدیل کننده عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. سال ۷، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۴، صص ۶۶ تا ۵۱.

خوشکار، فرزین، استواری، حمید و ممنون، احمد (۱۳۹۹)، تاثیر ساختار مالکیت مدیریت و دانش مالی اعضای هیأت مدیره بر کیفیت حسابرسی، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۹ (جلد چهارم).

فتاحی نافچی، حسن و رمضانی بلداجی، آرزو (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی بر سطح رشد سرمایه گذاری و میزان وجه نقد نگهداری شده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۲، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۸، (جلد دوم).

فروغی، عارف و رحیمی، علیرضا (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، دوره ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰، صص ۲۴۷-۲۳۱.

مرادی رودپشتی، غلامرضا، رهنمای رودپشتی، فریدون و حاجیها، زهره (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی جامع مدیریت سود مبتنی بر تفکر انتقادی با استفاده از روش ANP فازی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۰.

مزرعه لی، یعقوب؛ آقا بیگی، مهدی و جوانشیری نژاد، زینب (۱۳۹۴). "بررسی تاثیر وجود عضو هیات مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه اقتصاد و مالیات. دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵.

مهربانی، مهدی؛ زلفی، حسن و ملیحی، سید علی (۱۳۹۴). "بررسی ویژگی های هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه دانش حسابرسی. سال چهاردهم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۷۱-۱۸۸.

نخعی، حبیب اله و احمدپور، جعفر (۱۳۹۹)، تاثیر ساختار هیات مدیره حاکمیت شرکتی بر معیارهای عملکرد و محافظه کاری غیرشرطی شرکت های ایرانی، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۹ (جلد دوم).

نوروش، ایرج، سپاسی، سحر و نیک بخش، محمد رضا، (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، شماره ۴۳۵.

Abdul Rahman, R., Wan, M., and Zaki Nik, S. (2017). A Panel Data Analysis on The Effects of Independent Directors Characteristics, Ethnicity and The Level Of Risks on Discretionary Accruals in Malaysian Manufacturing Companies. AFAANZ Conference.

Adut, D Holder , A., and Robin, A.,(2015) Predictive versus opportunistic earnings management, executive compensation, and firm performance, J. Account. Public Policy 32 PP.126-146.

Alam , P., and Petruska (2012) Conservatism, SEC investigation, and fraud, J. Account. Public Policy 31 PP. 399-431

Ali, A. and Zhang, W.N. (2015) CEO Tenure and Earnings Management. Journal of Accounting and Economics , 59, 60-79. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jacceco.2014.11.004>

Chang A. and Shiva K. (2013), Earnings Management and Earnings Predictability, www.ssrn, working paper.

Christopher T. Edmonds , Jennifer E. Edmonds , Ryan D. Leece Thomas E. Vermeer (2015). Do risk management activities impact earnings volatility? Research in Accounting Regulation 27 (2015) 66-72.

Chung H., Sheu H., and Wang J., (2014), "Do firms' earnings management practices affect their equity liquidity?", Finance Research Letters 6, pp.152-158.

Cohen D. A., Zarowin P. (2015). "Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings". Working paper, Available at <http://ssrn.com/abstract=1081939>

- D.B. Bryan, T.W. Mason. (2017). Executive tournament incentives and audit fees /Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting xxx (2017) xxx-xxx.
- Dechow, P.M., Dichev, I.D., 2002. The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors. *Account. Rev.* 77, 35-59.
- Dechow, P.M., Ge, W.L. and Schrand, C. (2010) Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences. *Journal of Accounting and Economics* , 50, 344-401. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.09.001>.
- DECHOW, P., AND R. G. SLOAN. "Executive Incentives and the Horizon Problem: An Empirical Investigation." *Journal of Accounting and Economics* 14 (1991): 51-89.
- Dimitropoulos, P. E. and Asteriou, D. (2016). the effect of board composition on the informativeness and quality of annual earnings: empirical evidence from Greece, *Research in International Business and Finance*, Vol. 24 No.
- Jiacai Xiong (2016). Chairman Characteristics and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Firms. *Journal of Accounting*, 2016, 5, 82-94.
- Lajili, K. & Ze'ghal, D. (2015). "Corporate Governance and bankruptcy filing decision", *Journal of General Management*, Vol. 35 No. 4, 3-26.
- Lee, Cheng.Few, (2014). Cash Holdings, Corporate Governance Structure and Firm Valuation, *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, Vol. 12, No. 3, pp. 475-508.
- Masahiro Enomoto, Fumihiko Kimura b, Tomoyasu Yamaguchi (2015). Accrual-based and real earnings management: An international comparison for investor protection. *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 11 (2015) 183-198.
- Nur Dalil, Jamaludina, Zuraidah Mohd Sanusi and Amrizah Kamaluddin (2021). Board Structure and Earnings Management in Malaysian Government Linked Companies. *Procedia Economics and Finance* 28 - 235 - 242.
- Pllat, H. and Pllat M. (2019). Corporate Board Attributes and Bankruptcy. *Journal of Business Research*.
- Ramalingegowda, S., and Yu , Y., (2012) Institutional ownership and conservatism, *Journal of Accounting and Economics* Vol. 53 , PP. 98-114.
- Ramasay,A,Oei,R,and P.Mather,(2012)" Earnings quality and its relationship with aspects of corporate governance: an investor perspective.*Accounting & financial association of Australia and new zeland*, 2, 190-205.
- Schmid, M. M., Oesch, D., & Ammann, M. (2018). Corporate governance and firm value: nternational evidence. *Journal of Empirical Finance*, 18(3), 36- 55.
- Tian, Y. (2014). Does Expectations Management Impair Firm Valuation? SSRN.com, working paper.
- Wasiuzzaman, S., & Arumugam, V.C., (2020). Determinants of Working Capital Investment : A Study of Malaysian Public Listed Firms. *Australasian Accounting Business and Finance Journal*, Vol. 7, Iss. 2, pp. 49-70.
- Ye, K.T., Zhang, R. and Rezaee, Z. (2010) Does Top Executive Gender Diversity Affect Earnings Quality? A Large Sample Analysis of Chinese Listed Firms. *Advances in Accounting*, 26, 47-54.